

رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی

The Relationship Between Parenting Styles and Children's Perfectionism in a Sample of Iranian Families

M. A. Besharat, Ph.D. ✉

K. Azizi

H. Poursharifi, Ph.D.

دکتر محمدعلی بشارت ✉

استاد دانشگاه تهران

کوروش عزیزی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی سلامت دانشگاه تهران

دکتر حمید پورشریفی

استادیار دانشگاه تبریز

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۲/۳

پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۴

Abstract

The main objective of the present study was to examine the relationship between three parenting styles including authoritative, authoritarian, and permissive on the with dimensions of perfectionism including self-oriented, other-oriented, and socially prescribed in a sample of Iranian families. Three hundred and forty two students (184 females, 156 males).

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه رابطه سبک‌های فرزندپروری اقتداری، آمرانه و سهل‌گیر والدین با ابعاد کمال‌گرایی خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی است. سیصد و چهل و دو دانش‌آموز (۱۸۴ دختر، ۱۵۸ پسر) مشغول به تحصیل در پایه‌های اول تا سوم دبیرستان‌های مناطق ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۹ شهر تهران در سال ۱۳۸۸ همراه با والدین‌شان (۳۴۲ پدر، ۳۴۲ مادر)، در این پژوهش شرکت کردند.

✉ Corresponding author: College of Psychology and Educational Science University of Tehran, Ale Ahmad Avenue, Tehran, Iran.
Tel: +98021-61117488
Email: besharat@ut.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه جلال آل‌احمد، زیر بل گیشا،
دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران
تلفن: ۰۲۱۶۱۱۱۷۴۸۸

پست‌الکترونیک: besharat@ut.ac.ir

from Tehran schools in sectors 8, 10, 11 and 19 in the academic year 2009-2010 along with their parents (342 fathers, 342 mothers) were included in this study. Students and their parents were asked to complete the Tehran Multidimensional Perfectionism Scale (TMPS; Besharat, 2007) and Parental Authority Questionnaire (PAQ; Buri, 1991), respectively.

Analysis of the data involved both descriptive and inferential statistics including the mean, standard deviation, Pearson's correlation coefficient, and regression analysis. Results revealed that only father's authoritarian style was significantly associated with dimensions of perfectionism in children, and father's authoritative style predicted changes in children's other-oriented perfectionism. It can be concluded that authoritarian style of parenting effect on the development of children's perfectionistic characteristics.

Keywords: parenting style, perfectionism, Iranian family.

دانش‌آموزان مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران (TMPS؛ بشارت، ۱۳۸۶) و والدین پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ؛ بوری، ۱۹۹۱) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج پژوهش نشان دادند که سبک فرزندپروری آمرانه پدر با کمال‌گرایی خودمحور ($P \leq 0/05$ ، $r = 0/110$)، دیگرمحور ($P \leq 0/01$ ، $r = 0/145$) و جامعه‌محور فرزندان ($P \leq 0/01$ ، $r = 0/228$) رابطه دارد، همچنین سبک اقتداری مادر، کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان را پیش‌بینی می‌کند ($P \leq 0/027$ ، $\beta = 0/125$)، در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت خانواده‌های دارای سبک فرزندپروری آمرانه فرزندان را برای عملکرد کامل تشویق می‌کنند و نسبت به شکست‌های آن‌ها با ناامیدی، اضطراب و بی‌قراری واکنش نشان می‌دهند، در نتیجه فرزندان نیز از هر اشتباهی ترسیده و سعی می‌کنند با کمال‌گرا بودن از اشتباه و شکست دوری کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری، کمال‌گرایی، خانواده‌های ایرانی

مقدمه

کمال‌گرایی^۱ یک‌سازه شخصیتی است و با ویژگی‌هایی هم‌چون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (استوبر و اتو، ۲۰۰۶؛ اسلنی، اشبی و تریپی، ۱۹۹۵؛ فروست، مارتین، لهارت و روزنبلیت، ۱۹۹۰؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱). در سال‌های اخیر کمال‌گرایی در حیطه ادبیات تحقیق توانسته است علاقه رو به افزایش محققان را به خود جلب کند (اشبی، راهوتپ و مارتین، ۲۰۰۵؛ هیل و تری، ۲۰۰۷). رویکردهای متفاوت در مورد کمال‌گرایی، آن را سازه‌ای تک‌بعدی (برنز، ۱۹۸۰) یا چندبعدی (هویت و فلت، ۱۹۹۱) معرفی کرده‌اند. در رویکرد چندبعدی این سازه از مؤلفه‌های درون شخصی شامل

انتظارات بالای فرد از خود، بین شخصی شامل انتظارات بالای فرد از دیگران و اجتماعی شامل انتظارات بالای دیگران از فرد تشکیل شده است (هویت و فلت، ۱۹۹۱). مفهوم کمال‌گرایی که توسط هویت و فلت (۱۹۹۱، ۱۹۹۱) پیشنهاد شده و شواهد تجربی از آن حمایت کرده‌اند، شامل سه بعد است: کمال‌گرایی خودمحور^۲ که به خود انتقادگری و تحمیل خواسته‌های سخت‌گیرانه بر خود اشاره دارد؛ کمال‌گرایی دیگرمحور^۳ که بر اساس آن فرد از دیگران انتظارات بالا دارد. کمال‌گرایی دیگرمحور تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است. کمال‌گرایی دیگرمحور گرایش به داشتن انتظارات کمال‌گرایانه از اشخاصی است که برای فرد اهمیت دارند، مثل انتظارات کمال‌گرایانه والدین از فرزندان. کمال‌گرایان دیگرمحور استانداردهای بالا و گاه غیرواقع‌گرایانه برای دیگران در نظر می‌گیرند. هویت و فلت (۱۹۹۱) کمال‌گرایی دیگرمحور را سازش نایافته، مرتبط با سرزنش دیگران، فقدان اعتماد و احساس خصومت نسبت به دیگران می‌دانند. کمال‌گرایی جامعه‌محور^۴ یعنی انتظارات بالای دیگران، مخصوصاً اشخاص مهم، از فرد (هویت، فلت و تورنبال، ۱۹۹۲). کمال‌گرایی جامعه‌محور شامل ۱. پذیرش این حقیقت است که دیگران تقاضاهای کمال‌گرایانه نسبت به شخص دارند (پذیرش دیگران) و ۲. پذیرش این‌که این تقاضاها مناسب و درخور فرد هستند و فرد باید آن‌ها را رعایت کند (پذیرش خود). یکی از تفاوت‌هایی که بین این بعد کمال‌گرایی و ابعاد دیگر کمال‌گرایی وجود دارد این است که تقاضاهای کمال‌گرایانه در این مورد تقاضاهایی است که فرد ادراک می‌کند که از طرف محیط بر او وارد می‌شود.

بسیاری از محققان بر نقش خانواده و محیط اجتماعی در ایجاد و رشد کمال‌گرایی در فرزندان اتفاق نظر دارند و اعتقاد دارند که کمال‌گرایی ریشه در تجربه‌های دوران کودکی به‌خصوص رابطه والدین - کودک دارد (انس، کوکس و کلارا، ۲۰۰۲؛ بلت، ۱۹۹۵؛ سوروزکین، ۱۹۹۸؛ ویث و ترال، ۱۹۹۹). این محققان کمال‌گرایی را یک سبک بین شخصی شخصیت می‌دانند که در واکنش به تعامل با مراقبین به وجود می‌آید. از جمله ویژگی‌های خانواده که در رشد کودکان در جنبه‌های متفاوت مؤثر است می‌توان سبک‌های فرزندپروری^۵ را نام برد. تحقیقات زیادی سبک‌های فرزندپروری را مؤلفه‌ای اساسی در رشد فرزندان دانسته و اذعان می‌دارند که این مؤلفه با پیامدهای مهم شناختی، اجتماعی (لامبورن، مانتز، استینبرگ و درونباخ، ۱۹۹۱) و رفتاری و هیجانی (دریسکول، راسل و کروکت، ۲۰۰۸) رابطه دارد.

گسترده‌ترین تیپ‌شناسی فرزندپروری مورد استفاده در غرب تیپ‌شناسی بامریند است. بامریند سه سبک فرزندپروری را با عناوین اقتداری^۶، آمرانه (استبدادی)^۷ و سهل‌گیر^۸ مورد شناسایی قرار داده است (نقل از ماندارا، ۲۰۰۳). تنوعی از مشکلات در کودکانی که والدین آمرانه دارند در غرب شناسایی شده است (دویری و منشار، ۲۰۰۶). چندین مطالعه شواهد تجربی فراهم کرده‌اند که از

فرض به وجود آمدن کمال‌گرایی در خانواده‌هایی با والدین انتقادگر و آمرانه حمایت می‌کنند (رایس، اشبی و پرژر، ۱۹۹۶؛ فلت، هویت و سینگر، ۱۹۹۵؛ فروست، مارتین، لهارت و روزنبلت، ۱۹۹۱؛ کاوامورا، فروست و هارمتر، ۲۰۰۲). مطالعه فلت و همکاران (۱۹۹۵) نخستین مطالعه شناخته شده است که تفاوت‌های جنسیتی را در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و کمال‌گرایی بررسی کرده است. در مطالعه آنان، سبک فرزندپروری آمرانه با کمال‌گرایی جامعه‌محور پسران مرتبط بود. اما سبک فرزندپروری اقتداری والدین با کمال‌گرایی خودمحور در میان دختران رابطه داشت. مک‌کرنی و بس (۱۹۸۴؛ به نقل از انس و همکاران، ۲۰۰۲) بیان می‌کنند که کمال‌گرایی می‌تواند در نتیجه ارتباط با والدین مزاحم، کنترل‌گر و تنبیه‌کننده در فرزندان به وجود آید. مطالعه انس و همکاران (۲۰۰۲) اولین پژوهشی است که به مطالعه همبسته‌های رشدی کمال‌گرایی سازش یافته پرداخته است. آن‌ها در پژوهش خود به مطالعه رابطه کمال‌گرایی والدین و فرزندپروری خشن با کمال‌گرایی سازش یافته و سازش نایافته و رابطه آن با افسردگی در دانشجویان پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند فرزندپروری خشن که با ویژگی‌های انتقادگری، بیش‌کنترلی، فقدان مراقبت و انتظارات افراطی مشخص می‌شود فقط با کمال‌گرایی سازش نایافته رابطه داشت و با کمال‌گرایی سازش یافته رابطه نداشت. کاوامورا و همکاران (۲۰۰۲) در نتایج مطالعه خود دریافتند که ادراک داشتن والدین آمرانه و خشن با سطح بالای نگرانی در مورد اشتباهات و تردید در مورد اعمال که هر دو مؤلفه‌های کمال‌گرایی سازش نایافته‌اند، رابطه داشت. آن‌ها در مطالعه خود دریافتند که این رابطه در نمونه سفیدپوست آمریکایی در هر دو جنس دختر و پسر وجود دارد در حالی که در نمونه آسیایی - آمریکایی فقط در نمونه دختر این رابطه وجود دارد. کریداک، چارچ و سندز (۲۰۰۹) دریافتند که کمال‌گرایی کارکردی و غیرکارکردی هر دو با سبک فرزندپروری آمرانه والدین رابطه دارد و توسط آن پیش‌بینی می‌شود. گرچه چندین نظریه فرایند تأثیرگذاری سبک‌های فرزندپروری بر رشد فرزندان را توضیح داده‌اند، محدودیت‌های تجربی بسیاری در مورد تأثیر متفاوت سبک فرزندپروری یکسان بر رشد کودکان، وجود دارد. یکی از پیامدهای این محدودیت تجربی عدم فهم درست تأثیر اقتدار والدین بر رشد فرزندان در فرهنگ‌های متفاوت است. یکی دیگر از پیامدهای این محدودیت عدم وجود اساس تجربی‌ای است که بر مبنای آن بتوان در مورد تأثیر متفاوت یک سبک فرزندپروری خاص در مراحل مختلف رشد فرزندان نتیجه‌گیری کرد (استینبرگ، المن و مونترز، ۱۹۸۹؛ به نقل از دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳).

با توجه به ناهنجار بودن سازه کمال‌گرایی، شناخت رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان علاوه بر پیشبرد نظریه‌های مربوط به کمال‌گرایی و شخصیت، به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا به صورت کاربردی با آموزش شیوه‌های مناسب فرزندپروری از به وجود آمدن این سازه مرضی تا حدودی پیشگیری کرد.

عدم بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان در ایران، ناهماهنگی یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، همچنین عدم بررسی ابعاد فرهنگی - اجتماعی، ما را با این سؤال مواجه می‌کند که آیا سبک‌های فرزندپروری والدین ایرانی با کمال‌گرایی فرزندان آن‌ها رابطه دارد؟ کدامین سبک فرزندپروری با کدامین سبک کمال‌گرایی رابطه دارد؟ به منظور پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها، با استناد به یافته‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی در پژوهش‌های خارجی، رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه شهر تهران همراه با والدین آن‌ها بود. در این‌جا چون والدین و فرزندان آن‌ها هر دو باید در تحقیق شرکت داده می‌شدند لذا نمونه‌گیری از میان فرزندان صورت گرفت. هر دانش‌آموزی که انتخاب می‌شد والدینش نیز به عنوان نمونه انتخابی در تحقیق دخالت داده می‌شد. انتخاب نمونه با شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و در چند مرحله صورت گرفت؛ ابتدا از مناطق ۱۹ گانه شهر تهران چهار منطقه (۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۹) به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم از هر منطقه دو دبیرستان پسرانه و دو دبیرستان دخترانه به صورت تصادفی با استفاده از لیست دبیرستان‌های مناطق انتخابی، انتخاب شد و در مرحله سوم نمونه از میان دانش‌آموزان این دبیرستان‌ها به صورت تصادفی بر اساس دفتر آمار مدرسه که در آن تمام دانش‌آموزان هر پایه بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی و نام مرتب شده‌اند با رعایت نسبت از هر پایه برگزیده شدند. در مرحله چهارم از دانش‌آموزان خواسته شد تا مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران^۹ (TMPS) را تکمیل کنند و همچنین بنا به دلیل این‌که دعوت از اولیاء در مدارس میسر نبود پرسشنامه سبک اقتدار والدین^{۱۰} (PAQ) را درون پاکت گذاشته تا والدین به صورت مجزا تکمیل کرده و برگردانند. تعداد ۴۰۰ دانش‌آموز همراه با والدینشان به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند که از این میان تعداد ۳۴۲ دانش‌آموز (۱۸۴ دختر، ۱۵۸ پسر) همراه با والدینشان (۳۴۲ پدر، ۳۴۲ مادر) به پرسشنامه‌های پژوهش به طور کامل پاسخ دادند که به عنوان نمونه نهایی وارد تحلیل شدند. در این پژوهش دانش‌آموزان انتخابی از پایه اول (۷۸ دختر، ۷۰ پسر)، دوم (۵۵ دختر، ۵۲ پسر) و سوم (۵۱ دختر، ۳۶ پسر) بودند. وضعیت تحصیلات والدین: دیپلم و پایین‌تر (پدر: ۶۷/۳۵٪؛ مادر: ۷۲/۱۱٪)، فوق دیپلم و لیسانس (پدر: ۲۸/۴۳٪؛ مادر: ۲۴/۵۳٪) و فوق‌لیسانس و دکترا (پدر: ۴/۲۲٪؛ مادر: ۳/۳۶٪) بود. میانگین سنی دانش‌آموزان انتخاب شده ۱۶

سال (sd= ۱/۱۳، دامنه = ۱۸-۱۴) و میانگین سن پدران ۴۵ سال (sd = ۵/۶۲، دامنه = ۶۶-۳۴) و میانگین سن مادران ۴۰ سال (sd= ۵/۲۴، دامنه = ۵۷-۳۰) بود.

ابزارهای پژوهش

مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران (TMPS): مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران یک آزمون ۳۰ سؤالی است و بر اساس مقیاس‌های قبلی (فروست و همکاران، ۱۹۹۰؛ فلت و هویت، ۲۰۰۲؛ هویت و فلت، ۱۹۹۱a) توسط بشارت (۱۳۸۶) به فارسی ساخته شده است. این مقیاس، سه بعد کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر کدام از ابعاد آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور در نمونه‌ای متشکل از پانصد دانشجوی دانشگاه تهران، به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱ و ۰/۸۱ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی دیگرمحور و کمال‌گرایی جامعه‌محور به ترتیب $r = 0/85$ ، $r = 0/79$ و $r = 0/84$ در سطح $P < 0/001$ معنادار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی همزمان مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران از طریق اجرای همزمان مقیاس مشکلات بین شخصی، مقیاس سلامت روانی و زیرمقیاس‌های نوروزگرایی و برون‌گرایی مقیاس شخصیتی NEOPI-R در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی خودمحور با مشکلات بین شخصی (۰/۴۴)، بهزیستی روان‌شناختی (۰/۶۲-)، درماندگی روان‌شناختی (۰/۵۹) و نوروزگرایی (۰/۷۴) در سطح $P < 0/001$ همبستگی معنادار وجود دارد. نتایج هم‌چنین نشان دادند که بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی دیگرمحور با مشکلات بین شخصی (۰/۱۹-)، بهزیستی روان‌شناختی (۰/۳۵-)، درماندگی روان‌شناختی (۰/۲۶-)، نوروزگرایی (۰/۲۵) و برون‌گرایی (۰/۲۲-) و بین نمره آزمودنی‌ها در زیرمقیاس کمال‌گرایی جامعه‌محور با بهزیستی روان‌شناختی (۰/۲۷-)، نوروزگرایی (۰/۲۷) و برون‌گرایی (۰/۴۴-) در سطح $P < 0/001$ همبستگی معنادار وجود دارد. این نتایج روایی همزمان مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران را تأیید می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۶).

پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ): این پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس نظریه بامریند به سه سبک اقتداری، آمرانه و سهل‌گیر تقسیم می‌کند (بوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه از ۳۰ سؤال تشکیل شده است: ۱۰ سؤال مربوط به سبک فرزندپروری اقتداری، ۱۰ سؤال مربوط به سبک فرزندپروری آمرانه و ۱۰ سؤال مربوط به سبک فرزندپروری سهل‌گیر این پرسشنامه بر اساس مقیاس

پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. حداقل نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس‌ها ۱۰ و حداکثر نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس‌ها ۵۰ است. بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک اقتداری مادر (۰/۷۸)، برای سبک اقتداری پدر (۰/۹۲)، برای سبک آمرانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک آمرانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل‌گیر مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل‌گیر پدر (۰/۷۷) بدست آورده است. وی برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده نموده و نتایج آن بدین صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل‌گیر مادر رابطه معکوس (۰/۳۸-)، سبک آمرانه پدر با سبک سهل‌گیر پدر رابطه معکوس (۰/۵۰-)، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس (۰/۴۸-)، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس (۰/۵۲-) داشت، در حالی که سبک اقتداری مادر با سبک سهل‌گیر مادر (۰/۰۷) و سبک اقتداری پدر با سبک سهل‌گیر پدر (۰/۱۲) همبستگی مثبت غیر معنادار داشتند. این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) ترجمه و با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس داوری ۱۰ صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی خوب گزارش شده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را که بعد از گذشت یک هفته از اجرای اولیه، مجدداً از ۱۲ نفر از مادران نمونه مورد مطالعه خود، خواسته بود تا پرسشنامه را تکمیل کنند برای شیوه سهل‌گیر (۰/۶۹)، برای شیوه آمرانه (۰/۷۷) و برای شیوه اقتداری (۰/۷۳) بدست آورده است.

یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره مربوط به متغیرها در نمونه مورد تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره سبک‌های فرزندپروری والدین

و ابعاد کمال‌گرایی فرزندان

متغیر	شاخص		میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
	پدر	مادر				
سبک فرزندپروری اقتداری	پدر	۳۸/۶۵	۶/۱۰۱	۱۶	۵۰	
	مادر	۴۰/۰۷	۶/۰۵۹	۱۱	۵۰	
سبک فرزندپروری آمرانه	پدر	۲۷/۳۳	۵/۳۳۱	۱۴	۴۲	
	مادر	۲۶/۶۵	۵/۳۵۱	۱۱	۴۳	
سبک فرزندپروری سهل‌گیر	پدر	۲۵/۳۱	۵/۲۷۲	۱۰	۴۲	
	مادر	۲۵/۳۷	۵/۲۹۶	۱۱	۴۴	
کمال‌گرایی خودمحور	فرزندان	۳۰/۵۸	۵/۹۴۴	۱۵	۵۰	
کمال‌گرایی دیگرمحور	فرزندان	۳۲/۰۸	۶/۳۰۳	۱۰	۵۰	
کمال‌گرایی جامعه‌محور	فرزندان	۳۱/۸۵	۶/۲۷۰	۱۵	۵۰	

جدول ۲ ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای سبک فرزندپروری و کمال‌گرایی فرزندان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری

والدین و کمال‌گرایی فرزندان

متغیر	کمال‌گرایی خودمحور فرزندان	کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان	کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان
سبک اقتداری پدر	۰/۰۱۷	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۶
سبک آمرانه پدر	۰/۱۱۰*	۰/۱۴۵**	-۰/۲۲۸**
سبک سهل‌گیر پدر	۰/۰۲۸	۰/۰۰۴	۰/۰۴۲
سبک اقتداری مادر	-۰/۰۲۶	۰/۰۸۴	۰/۰۰۴
سبک آمرانه مادر	۰/۰۴۳	۰/۰۵۵	۰/۰۹۷
سبک سهل‌گیر مادر	۰/۰۷۵	۰/۰۸۳	۰/۰۷۹

* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد از میان سبک‌های فرزندپروری والدین فقط سبک فرزندپروری آمرانه پدر با ابعاد کمال‌گرایی فرزندان شامل کمال‌گرایی خودمحور ($r=0/110, P \leq 0/05$)، کمال‌گرایی دیگرمحور ($r=0/145, P \leq 0/01$) و کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان ($r=0/228, P \leq 0/01$) رابطه وجود دارد. نتایج جدول ۲ و جدول‌های ۳ تا ۸ پاسخ پرسش‌های پژوهش را در زمینه نوع رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان مشخص می‌کند.

برای تحلیل رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان از رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. در معادله رگرسیون، سبک‌های فرزندپروری والدین به عنوان متغیرهای پیش‌بین و هر کدام از ابعاد کمال‌گرایی فرزندان به صورت مجزا به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد.

جدول ۳: تحلیل واریانس برای اعتبار معادله رگرسیون و ضرایب همبستگی چندگانه

سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی خودمحور فرزندان

شاخص مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	R	R ²	Adjusted R ²	SE
رگرسیون	۲۶۲/۰۱۶	۶	۴۳/۶۶۹	۱/۲۴۰	۰/۲۸۵	۰/۱۳۶	۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۵/۹۳۴۱۷
باقی‌مانده	۱۳۸۳۹/۲۶۱	۳۹۳	۳۵/۲۱۴						
کل	۱۴۱۰۱/۲۷۸	۳۹۹							

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی خودمحور فرزندان

متغیر	شاخص	B	SEB	Beta	t	P
ثابت		۲۵/۵۶۶	۳/۷۲۶		۶/۸۶۲	۰/۰۰۱
سبک اقتداری پدر		-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۴	-۰/۰۵۴	-۰/۹۷۱	۰/۳۳۲
سبک آمرانه پدر		۰/۱۳۰	۰/۰۶۱	۰/۱۱۶	۲/۱۴۱	۰/۰۳۳
سبک سهل‌گیر پدر		-۰/۰۲۷	۰/۰۶۲	-۰/۰۲۴	-۰/۴۴۱	۰/۶۵۹
سبک اقتداری مادر		-۰/۰۳۵	۰/۰۵۶	-۰/۰۳۶	-۰/۶۳۲	۰/۵۲۸
سبک آمرانه مادر		-۰/۰۱۶	۰/۰۶۲	-۰/۰۱۵	-۰/۲۶۳	۰/۷۹۳
سبک سهل‌گیر مادر		۰/۰۷۸	۰/۰۶۳	۰/۰۷۰	۱/۲۵۱	۰/۲۱۲

بر اساس نتایج جداول ۳ و ۴، میزان F مشاهده شده معنادار نیست ($p \geq 0.285$) و فقط $0.1/9$ واریانس مربوط به کمال‌گرایی خودمحور فرزندان توسط متغیرهای سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌شود ($R^2 = 0.1/9$). ضرایب تأثیر سبک آمرانه پدر ($\beta = 0.116, P \leq 0.033$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهد که فقط سبک آمرانه پدر می‌تواند تغییرات مربوط به کمال‌گرایی خودمحور فرزندان را پیش‌بینی کند؛ یعنی افزایش سبک فرزندپروری آمرانه پدر با افزایش کمال‌گرایی خودمحور فرزندان مرتبط است.

جدول ۵: تحلیل واریانس برای اعتبار معادله رگرسیون و ضرایب همبستگی چندگانه سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی دیگر محور فرزندان

شاخص مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	R	R^2	Adjusted R^2	SE
رگرسیون	۶۳۳/۰۸۴	۶	۱۰۵/۵۱۴	۲/۷۲۵	۰/۰۱۳	۰/۲۰۰	۰/۰۴۰	۰/۰۲۵	۶/۲۲۳۰۰
باقی‌مانده	۱۵۲۱۹/۱۹۳	۳۹۳	۳۸/۷۲۶						
کل	۱۵۸۵۲/۲۷۸	۳۹۹							

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی دیگر محور فرزندان

متغیر	شاخص	B	SEB	Beta	t	P
ثابت		۲۲/۵۰۶	۳/۹۰۷		۵/۷۶۰	۰/۰۰۱
سبک اقتداری پدر		-۰/۰۵۱	۰/۰۵۷	-۰/۰۴۹	-۰/۸۹۷	۰/۳۷۰
سبک آمرانه پدر		۰/۱۶۴	۰/۰۶۴	۰/۱۳۹	۲/۵۸۷	۰/۰۱۰
سبک سهل‌گیر پدر		-۰/۰۵۴	۰/۰۶۵	-۰/۰۴۵	-۰/۸۳۲	۰/۴۰۶
سبک اقتداری مادر		۰/۱۳۰	۰/۰۵۹	۰/۱۲۵	۲/۲۱۴	۰/۰۲۷
سبک آمرانه مادر		۰/۰۲۴	۰/۰۶۵	۰/۰۲۱	۰/۳۷۱	۰/۷۱۱
سبک سهل‌گیر مادر		۰/۱۰۱	۰/۰۶۶	۰/۰۸۵	۱/۵۳۴	۰/۱۲۶

بر اساس نتایج جداول ۵ و ۶، میزان F مشاهده شده معنادار است ($p \leq 0/013$) و ۴٪ واریانس مربوط به کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان توسط متغیرهای سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌شود ($R^2 = 0/040$). ضرایب تأثیر سبک آمرانه پدر ($\beta = 0/139, P \leq 0/010$)، سبک اقتداری مادر ($P \leq 0/027$)، $\beta = 0/125$)، با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که سبک آمرانه پدر و سبک اقتداری مادر به طور معنادار می‌توانند تغییرات مربوط به کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان را پیش‌بینی کند؛ یعنی افزایش سبک فرزندپروری آمرانه پدر و هم‌چنین افزایش سبک فرزندپروری اقتداری مادر با افزایش کمال‌گرایی دیگرمحور فرزندان مرتبط است. در ماتریس همبستگی سبک اقتداری مادر با کمال‌گرایی فرزندان رابطه نداشت اما در رگرسیون به صورت معنادار رابطه دارد این به این علت است که در آماره همبستگی پیرسیون صرفاً با همبستگی‌های صفر مرتبه سر و کار داریم اما در رگرسیون در حقیقت با همبستگی‌های جزئی (تفکیکی)، یعنی با حذف اثر متغیرهای دیگر همبستگی متغیر مورد نظر به دست می‌آید.

جداول ۷ و ۸ نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین سبک‌های فرزندپروری والدین و کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان را نشان می‌دهد.

جدول ۷: تحلیل واریانس برای اعتبار معادله رگرسیون و ضرایب همبستگی چندگانه

سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان

شاخص مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P	R	R ²	Adjusted R ²	SE
رگرسیون	۸۸۸/۰۳۹	۶	۱۴۸/۰۰۷	۳/۹۳۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۰۵۷	۰/۰۴۲	۶/۱۳۶۴۸
باقیمانده	۱۴۷۹۸/۹۶۱	۳۹۳	۳۷/۶۵۶						
کل	۱۵۶۸۷/۰۰۰	۳۹۹							

جدول ۸: خلاصه مدل رگرسیون سبک‌های فرزندپروری با

کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان

متغیر	B	SEB	Beta	t	P	شاخص
ثابت	۲۱/۵۰۲	۳/۸۵۳		۵/۵۸۱	۰/۰۰۱	
سبک اقتداری پدر	۰/۰۱۷	۰/۰۵۶	۰/۰۱۷	۰/۳۰۵	۰/۷۶۰	
سبک آمرانه پدر	۰/۲۶۵	۰/۰۶۳	۰/۲۲۵	۴/۲۲۷	۰/۰۰۱	
سبک سهل‌گیر پدر	-۰/۰۳۷	۰/۰۶۴	-۰/۰۳۱	-۰/۵۷۰	۰/۵۶۹	
سبک اقتداری مادر	۰/۰۲۵	۰/۰۵۸	۰/۰۲۴	۰/۴۲۲	۰/۶۷۳	
سبک آمرانه مادر	۰/۰۳۲	۰/۰۶۵	۰/۰۲۷	۰/۴۹۵	۰/۶۲۱	
سبک سهل‌گیر مادر	۰/۰۶۱	۰/۰۶۵	۰/۰۵۱	۰/۹۳۶	۰/۳۵۰	

بر اساس نتایج جداول ۷ و ۸، میزان F مشاهده شده معنادار است ($p \leq 0/001$) و فقط $0/5/7$ واریانس مربوط به کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان توسط متغیرهای سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌شود ($R^2 = 0/057$). ضریب تأثیر سبک آمرانه پدر ($\beta = 0/225$, $P \leq 0/001$) با توجه به آماره‌های t نشان می‌دهند که فقط سبک آمرانه پدر می‌تواند به طور معنادار تغییرات مربوط به کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان را پیش‌بینی کند؛ یعنی افزایش سبک فرزندپروری آمرانه پدر با افزایش کمال‌گرایی جامعه‌محور فرزندان مرتبط است.

بحث

نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره هم‌زمان نشان داد که بین سبک فرزندپروری آمرانه پدر و هر سه بعد کمال‌گرایی فرزندان رابطه وجود دارد و نتایج رگرسیون نیز نشان داد که سبک فرزندپروری آمرانه پدر به طور معنادار قادر به پیش‌بینی هر سه بعد کمال‌گرایی فرزندان است. این نتایج با نظریه‌های مطرح شده در این زمینه (برنز، ۱۹۸۰؛ پیچ، ۱۹۸۴؛ دریسکول، ۱۹۸۲؛ و میسیدین، ۱۹۶۳؛ به‌نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲) و پژوهش‌های قبلی (انس و همکاران، ۲۰۰۲؛ رایس و همکاران، ۱۹۹۶؛ سورزکین، ۱۹۹۸؛ فرست و همکاران، ۱۹۹۱؛ فلت و همکاران، ۱۹۹۵؛ کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲؛ کریداک و همکاران، ۲۰۰۹) همخوانی دارد. این نتایج را می‌توان بر حسب احتمالات زیر تبیین کرد:

۱- از آن‌جا که والدین دارای سبک آمرانه از نظر عامل‌های تقاضا و کنترل خیلی بالا هستند (ماندارا، ۲۰۰۳)، رفتارها و نگرش‌های فرزندان را مطابق با یک سری استانداردهای رفتاری که معمولاً مطلق هستند شکل می‌دهند، کنترل و ارزیابی می‌کنند (بامریند، ۱۹۶۶). این سبک، هم‌چنین از نظر عامل پاسخ‌دهی پایین است (ماندارا، ۲۰۰۳)، و والدین دارای این سبک، رفتارهای منفی فرزندان را به خود فرزندان و تقصیر اعمال اشتباه را به علت‌های درونی نسبت می‌دهند و از فرزندان انتظار دارند از قوانین آن‌ها بدون هیچ‌گونه پرسش و اعتراضی پیروی کنند (کوپلن و هستینگز، لاگاس - سگین و مولتن، ۲۰۰۲). در این خانواده‌ها، فرزندان شیوه‌های ارزیابی غیرکمال‌گرایانه رفتارهای خود و دیگران را یاد نمی‌گیرند. همسو با این تبیین، میسیدین (۱۹۶۳) و پیچ (۱۹۸۴) اعتقاد دارند که کمال‌گرایی در خانواده‌هایی رشد می‌یابد که عملکردهای کمتر از کامل فرزندان با انتقاد والدین روبه‌رو می‌شود و در این خانواده‌ها استانداردها و انتظارات بالای والدین به فرزندان تحمیل می‌شود. در نتیجه این انتقادات، انتظارات و استانداردهای بالا که توسط والدین متوقع، از جمله والدین دارای سبک فرزندپروری آمرانه اعمال می‌شود، این فرزندان شیوه‌های ارزیابی عملکرد خود به طور کمتر انتقادی را یاد نمی‌گیرند. بنابراین، به شیوه کمال‌گرایانه رفتارهای خود و دیگران را ارزیابی می‌کنند (به‌نقل از کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲).

۲- والدین دارای سبک فرزندپروری آمرانه به اطاعت ارزش می‌دهند، و اعتقاد دارند که فرزندان باید آن‌چه را که والدین می‌گویند بپذیرند (بامریند، ۱۹۶۶) و از قوانین آن‌ها بدون هیچ‌گونه پرسش و اعتراضی پیروی کنند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲). این دسته از والدین اعتقاد دارند که فرزندان باید تصمیمات و قوانین آن‌ها را بپذیرند، حتی اگر آن‌ها را به درستی نفهمیده باشند (ماندارا، ۲۰۰۳) و خودمختاری فرزندان را محدود می‌کنند (بامریند، ۱۹۶۶). بنابراین، ممکن است در این خانواده‌ها فرزندان ملاک‌های درونی ارزیابی رفتار را یاد نگرفته و همیشه رفتارهای خود و دیگران را بر اساس ملاک‌های بیرونی ارزیابی کنند و به واسطه داشتن مرکز ارزیابی بیرونی به دنبال رعایت استانداردهای بالای دیگران باشند. این افراد در دنبال کردن یک سیستم ثابت درونی شده ارزش‌ها ناتوانند و اعتماد به ارگانسیم خود (راجرز، ۱۹۸۰؛ به‌نقل از اشبی و همکاران، ۲۰۰۵) را از دست می‌دهند و این همان چیزی است که راجرز کمال‌گرایی سازش‌نا یافته یا نوروتیک می‌داند (راسکین و راجرز، ۱۹۸۶).

۳- در خانواده‌های دارای سبک فرزندپروری آمرانه تأیید و پذیرش فرزندان مشروط و وابسته به رعایت بی‌قید و شرط انتظارات و استانداردهای والدین است و احساس ارزش خود فرزندان اغلب وابسته به تأیید والدین است. اگر کامل نبودن عملکرد با انتقاد والدین روبه‌رو شود فرزندان ممکن است از اشتباه کردن بترسند (برنز، ۱۹۸۰؛ دریسکول، ۱۹۸۲؛ به‌نقل از کواورا و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین، در این خانواده‌ها فرزندان برای به دست آوردن پذیرش و تأیید والدین خود مجبور به رعایت استانداردهای والدین شده، این استانداردها را درونی کرده و در عمل مطابق با آن‌ها رفتار نمایند. علاوه بر این، ممکن است انتقادات والدین را درونی کرده و خود انتقادگری را در خود پرورش دهند (کواورا و همکاران، ۲۰۰۲). این تبیین همسو با نظریه هماچک (۱۹۷۸) است که فرض می‌کند کمال‌گرایی سازش‌نا یافته در کودکانی به وجود می‌آید که والدین آن‌ها انتظارات بالایی دارند و هرگز از کارکرد فرزندان خود راضی نمی‌شوند (به‌نقل از انس و همکاران، ۲۰۰۲) و محیط‌های هیجانی تأیید مثبت مشروط را بستر مناسبی برای رشد کمال‌گرایی نوروتیک می‌داند (هماچک، ۱۹۷۸؛ به‌نقل از اشبی و همکاران، ۲۰۰۵). در محیط تأییدی مثبت مشروط، تأیید بیرونی فقط وقتی شرایط معینی وجود داشته باشد، ارائه می‌شود. در چنین محیطی به جای این‌که به فرد بها داده شود به عمل او بها داده می‌شود. بنابراین، فرد در این محیط‌ها به این دلیل که دائماً با ایجاد استانداردهای بالای غیرواقعی برای پیشرفت و عمل در جستجوی تأیید و پذیرش است، در چرخه بی‌پایانی از سعی، ناکامی و شکست درگیر می‌شود (هماچک، ۱۹۷۸؛ به‌نقل از شالر، ۱۹۹۹).

۴- در خانواده‌های دارای سبک فرزندپروری آمرانه فرزندان برای عملکرد کامل به طور مثبت تشویق می‌شوند و اگر فرزندان در کوشش‌هایشان شکست بخورند این والدین، شکست آن‌ها را بازخورد مهارت‌های پرورش‌فرزند^{۱۱} خود دانسته به جای اطمینان و دلداری دادن به فرزندان با

نامیدی، اضطراب و بی‌قراری به شکست‌های فرزندان نشان واکنش نشان می‌دهند. در نتیجه فرزندان نیز از هر اشتباهی ترسیده (ویث و ترال، ۱۹۹۹) و سعی می‌کنند از اشتباه و شکست با کمال‌گرا بودن دوری کنند. از این نقطه‌نظر، کمال‌گرایی سازش‌نا یافته از نیاز کودکان به پذیرش از طرف والدینی که استانداردهای بالایی برای موفقیت گذاشته‌اند و هرگز از تلاش فرزندان برای رسیدن به این استانداردها راضی نمی‌شوند یا رضایت پایدار ندارند، شکل می‌گیرد (رایس و همکاران، ۲۰۰۵). آن‌ها به انتظارات و انتقادات والدین بسیار تمرکز می‌کنند، نمی‌خواهند شکست بخورند زیرا با این کار والدینشان را مأیوس کرده و مورد انتقاد آن‌ها قرار می‌گیرند. برای بیشتر این افراد ارزش شخصی برابر با عملکرد آن‌ها است (شالر، ۱۹۹۹).

اما این‌که در این تحقیق سبک فرزندپروری آمرانه پدر و نه سبک فرزندپروری آمرانه مادر با ابعاد کمال‌گرایی فرزندان رابطه داشت و فقط سبک فرزندپروری آمرانه پدر به طور معنادار قادر به پیش‌بینی تغییرات ابعاد کمال‌گرایی فرزندان بود را به این صورت می‌توان تبیین کرد: در فرهنگ ایرانی سبک فرزندپروری بیشتر پدر سالارانه است، پدر در رأس قدرت قرار دارد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که همه حتی مادر باید از او تبعیت کنند. در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌نهایی به عهده پدر بوده و پدر مسئولیت کلیه امور در خانواده را بر عهده دارد. در خانواده ایرانی تعیین نظام ارزشی حاکم بر خانه، تنظیم روابط اعضای آن، سازماندهی و تقسیم وظایف، ایجاد هماهنگی و امنیت روانی عمدتاً وابسته به پدر است. همچنین در این محیط پدر از نظر کودک مظهر اقتدار، دانایی، قانون و حمایت به شمار می‌آید و نقش اصلی را در سرمشق‌دهی برای کودک ایفا می‌کند به طوری که بسیاری از رفتارهای پدر مستقیم و غیرمستقیم در وجود کودک منعکس می‌شوند. در رابطه با اجتماع نیز پدر به عنوان حلقه اتصال جامعه به خانه و مسئول تنظیم این ارتباط، مهم‌ترین نقش را در آماده‌سازی و چگونگی ورود کودک به صحنه اجتماع دارد، به طوری که هر چه کودک از سنین خردسالی فاصله می‌گیرد، این نقش پررنگ‌تر می‌شود (وزیری، ۱۳۸۱). بنابراین، طبیعی است که در چنین فرهنگی کسب رضایت خاطر پدر برای هر دو گروه فرزندان، دختر و پسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد و چون والدین دارای سبک آمرانه، استانداردهای بالایی برای فرزندان در نظر می‌گیرند و به رعایت این استانداردها اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهند بنابراین فرزندان در این خانواده‌ها با سعی در کامل بودن به دنبال پذیرش از طرف والدین و مخصوصاً در فرهنگ‌های مردسالار به دنبال پذیرش از طرف پدر هستند و نقش مادر از این بابت کم‌رنگ‌تر است. بدین ترتیب، رابطه سبک فرزندپروری آمرانه پدر با کمال‌گرایی فرزندان و عدم همبستگی سبک فرزندپروری آمرانه مادر با کمال‌گرایی فرزندان با توجه به تبیین‌های بالا توجیه می‌شود.

همچنین در این پژوهش سبک فرزندپروری اقتداری مادر قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی

دیگرمحور فرزندان بود. این یافته از نظر رابطه سبک فرزندپروری اقتداری مادر با ابعاد کمال‌گرایی فرزندان همسو با یافته‌های پژوهش فلت و همکاران (۱۹۹۵) است. این یافته را می‌توان به این صورت تبیین کرد: والدین اقتدارگرا از نظر پاسخ‌دهی بالا هستند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲) بنابراین ممکن است در این خانواده‌ها فرزندان والدین بیش پاسخ‌دهنده خود را ملاک قرار داده و دیگران را بر اساس میزان پاسخ‌دهی آن‌ها در مقایسه با میزان پاسخ‌دهی والدینشان ارزیابی کنند که این خصیصه از ویژگی‌های کمال‌گرایان دیگرمحور است.

علاوه بر این والدین اقتدارگرا خودمختاری فرزندان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲)، بنابراین در فرزندان این والدین انتقاد کردن از دیگران که از ویژگی‌های کمال‌گرایان دیگرمحور است تقویت شده، و این فرزندان به طرف کمال‌گرایی سوق داده می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

1. Perfectionism
2. Self-oriented perfectionism
3. Other-oriented perfectionism
4. Socially prescribed perfectionism
5. Parenting styles
6. Authoritative
7. Authoritarian
8. Permissive
9. Tehran Multidimensional Perfectionism Scale (TMPS)
10. Parental Authority Questionnaire (PAQ)
11. Childrearing skills

منابع

- اسفندیاری، غ. ر. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران، تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۹، ۶۷-۴۹.
- وزیری، م. (۱۳۸۱). نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۲، ۵۸۴-۵۶۵.

- Ashby, J. S., Rahotep, S. S., & Martin, J. L. (2005). Multidimensional perfectionism and Rogerian personality constructs. *Journal of Humanistic Counseling: Education and Development, 44*, 55-65.
- Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development, 37*, 887-907.
- Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression. *American Psychologist, 50*, 1003-1020.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment, 57*, 110-119.
- Burns, D. D. (1980). The perfectionist's script for self-defeat. *Psychology Today, 14*, 34-52.
- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mother's parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting: Science and Practice, 2*, 1-26.
- Craddock, A., Church, W., & Sands, A. (2009). Family of origin characteristics as predictors of perfectionism. *Australian Journal of Psychology, 61*, 136-144.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin, 113*, 487-496.
- Driscoll, A. K., Russell, S. T., & Crockett, L. J. (2008). Parenting styles and youth well being across immigrant generations. *Journal of Family Issues, 29*, 185-209.
- Dwairy, M., Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence, 29*, 103-117.
- Enns, M. W., Cox, B. J., & Clara, I. (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences, 33*, 921-935.
- Flett, G. L., Hewitt, P. L., & Singer, A. (1995). Perfectionism and parental authority styles: Individual psychology. *Journal of Adlerian Theory, Research and Practice, 51*, 50-60.
- Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2002). Perfectionism and maladjustment: An overview of theoretical, definitional, and treatment issues. In G. L. Flett & P. L. Hewitt (2002), *Perfectionism: Theory, research, and treatment* (pp.5-31). Washington, DC: American Psychological Association.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research, 14*, 449-468.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1991). The development of perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive Therapy and Research, 15*, 469-490.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology, 15*, 27-33.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991a). Perfectionism in the self and social contexts: Conceptualization, assessment, and association with psychopathology. *Journal of Personality and Social Psychology, 60*, 456-470.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (1991b). Dimensions of perfectionism in unipolar depression. *Journal of Abnormal Psychology, 100*, 98-101.
- Hewitt, P. L., Flett, G. L., & Turnbull, W. (1992). Perfectionism and multiphasic

- personality inventory (MMPI) indices of personality disorder. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 14, 323-335.
- Hill, V. Z., & Terry, C. (2007). Perfectionism and explicit self-esteem: The moderating role of implicit self-esteem. *Self and Identity*, 6, 137 – 153.
- Kawamura, K. Y., Frost, R. O., & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32, 317-327.
- Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.
- Mandara, J. (2003). The Typological approach in child and family psychology: A review of theory, methods, and research. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129-146.
- Raskin, N. J., & Rogers, C. R. (1989). Person-centered therapy. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies* (pp. 133-167). Itasca, IL: Peacock.
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Preusser, K. J. (1996). Perfectionism, relationships with parents, and self esteem. Individual Psychology. *Journal of Adlerian Theory, Research and Practice*, 52, 246-260.
- Schulaer, P. A. (1999). *Voices of perfectionism: Perfectionistic gifted adolescents in a rural middle school*. National Research Center on the Gifted and Talented, Storrs, CT.
- Slaney, R. B., Ashby, J. S., & Trippi, J. (1995). Perfectionism: Its measurement and career relevance. *Journal of Career Assessment*, 3, 279-297.
- Sorotzkin, B. (1998). Understanding and treating perfectionism in religious adolescents. *Psychotherapy*, 35, 87-95.
- Stoeber, J., Otto, K. (2006). Positive conceptions of perfectionism: Approaches, evidence, challenges. *Personality and Psychology Review*, 10, 295-319.
- Vieth, A. Z., & Trull, T. J. (1999). Family patterns of perfectionism: An examination of college students and their parents. *Journal of personality assessment*, 12, 49-67.